

ابراهیم - صفائی

(۱)

ادعای مجعول سید جمال‌الدین معروف به افغانی

(ردیك سند بی اساس)

ناظم الاسلام کرمانی ضمن ایراد شرح حال سید جمال‌الدین در صفحه ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ تاریخ بیداری ایرانیان نامه‌ئی از او نقل کرده است، حاوی دعاوی باور ناکردنی.

سید جمال‌الدین در اواخر ۱۳۰۶ هنگام ملاقات با ناصرالدین شاه و امین‌السلطان (اتابك) در مونیخ، بایران دعوت شد و ضمناً از همانجا يك مأموریت باو دادند که چند ماه به «پترزبورگ» برود و بعضی از مطبوعات روسیه را که باسختی بر ضد امین‌السلطان قلمفرسائی میکردند با او موافق کند.

سید رفت و در آنجا عنوان مجعول اختیار کرد و خود را نماینده تمام الاختیار امین‌السلطان معرفی نمود و از لغو امتیاز بانك انگلیس و سایر امتیازات آن دولت

(۱) این مقاله را از نظر اطلاع عموم بطبع رساندیم ولی با افکار بلند و سوابق درخشانی که سید جمال‌الدین اسدآبادی داشته پذیرفتن اینگونه سخنان بدون تحقیقات عمیق سخت دشوار مینماید. اینك برای اینکه موضوع بیشتر مورد مذاقه و تحقیق قرار گیرد از دانشمند محترم آقای محیط طباطبائی که در تاریخ کشور اطلاعات مبسوط و گرانبھائی دارند و مخصوصاً تحقیقات و تتبعاتشان درباره سید جمال‌الدین مورد قبول محققان بوده و قول ایشانرا سند قطعی میدانند تقاضا داریم نظر خودشانرا مرقوم دارند تا بوسیله مجله ارمغان مسورد استفاده همگان قرار گیرد.

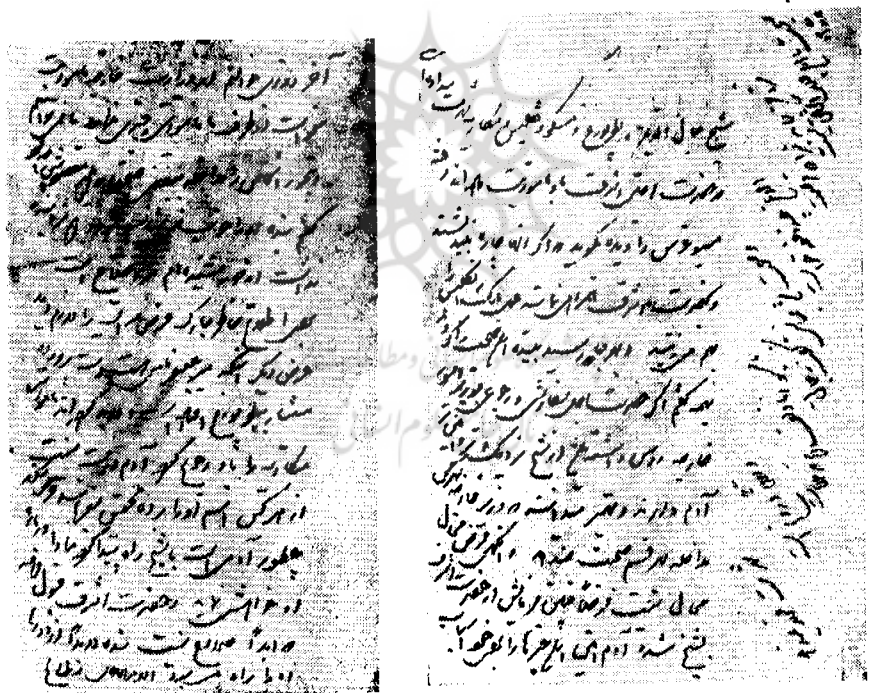
صحبت بمیان آورد ، ولی ادعای او را نپذیرفتند ، پس از آنکه مشتش باز شد و با ایران آمد ، در ایران کاغذی بعنوان شاه نوشته و مدعی شد که « مکرر با رئیس الوزرا و «مسیو کرس» وزیر خارجه و مقامات نظامی و سیاسی روسیه برای بهبود روابط ایران و روس مذاکره کرده ولی امین السلطان با مقاصد او موافقت ننموده است! » معلوم نیست سید جمال چنین کاغذی را برای شاه نوشته؟ یا آنکه محض فریب و خودنمایی چنین مسوده‌ئی را در اختیار مریدان خویش قرار داده است .

اما بهر حال ناظم الاسلام متن نامه‌ او را نقل کرده و در مقدمه تاریخ انقلاب ایران تألیف « براون » چاپ دوم ترجمه « احمد پژوه » هم متن همان نامه با مقدمه‌ئی از روزنامه رستاخیز ایران نقل شده و در مجموعه اسناد و مدارک سید جمال الدین (گردآوری آقایان دکتر مهدوی و ایرج افشار) چاپ دانشگاه هم پیش نویس قلم خورده این نامه ، با خطی که ظاهراً غیر از خط سید جمال الدین میباشد ، گراور شده است .

گرچه دعاوی سید در این نامه باور ناکردنی است و گذشته از آنکه اختیاراتی را که ادعا کرده اساسی نداشته و بیست مرتبه ملاقات با وزیر خارجه امپراتوری عظیم روسیه و ملاقاتهای متوالی با مقامات عالی و رئیس الوزرا و سران سیاسی و نظامی آن کشور در مدت اقامتی کوتاه برای شخصی چون سید جمال الدین هرگز امکان پذیر نبوده ، اما با اینحال روی خوشباوری مردم ایران و اعتقاد بیجای طرفداران سید جمال الدین به او ، این دعاوی بوج ناکنون بصورت حقیقتی در تاریخ سیاسی ایران ثبت شده است .

خوشبختانه اینجانب ضمن پژوهش در تاریخ قاجاریه و حوادث آن دوران سند بسیار مهم و جالبی بدست آوردم ، این سند گزارش میرزا محمودخان علاءالملک وزیر مختار آن زمان ایران در «پترزبورگ» میباشد ، متن سند با کمال وضوح گویای بر این است

که سیدجمال‌الدین در روسیه عنوان مجعول اختیار کرده و چون این عنوان را از او نپذیرفته‌اند از روسها ماموریت خواسته ! و بالاخره مایوس بایران مراجعت کرده است، با وجود این گزارش آشکاراست که مفادنامه‌ی وی که ظاهراً بعنوان شاه نوشته نیز صحت نداشته و وزیر خارجه روسیه حتی یکبار او را نپذیرفته است، این گزارش رسمی بی‌اعتباری ادعای سیدجمال‌الدین و بی‌ارزشی سند و نامه منتسب به او را که در تاریخ بیداری ایرانیان و در تاریخ انقلاب ایران و در مجموعه اسناد و مدارک سیاسی جمال‌الدین چاپ شده، اثبات‌میدارد. این گزارش معتبر و رسمی را من در بیوگرافی اتابک نقل کردم و اینک عین گزارش و متن آن



متن گزارش علاء الملک به امین‌السلطان (اتابک)

هو : شیخ جمال‌الدین در بطرز بورغ و مسکو و تفلیس و مکاریه شهرت میداده

است که حضرت اجل اشرف باو مأموریت داده اند رفته «مسیو غرس» را دیده بگویند که اگر چاره بیندیشند و بحضرت اشرف همراهی نمایند عمل بانك انگلیس را بهمیزند و بهر جا که رسیده این صحبت را کرده، بهمه گفتم اگر حضرت اشرف سفارشی و رجوعی بوزیر خارجه روسیه داشته باشند از شیخ نزدیک تر و امین تر آدم دارند و بهتر میدانند که وزیر خارجه بهر کس مداخله بهر قسم صحبت نمیدهد، وانگهی فرض محال محال نیست، فرضاً چنین فرمایشی از حضرت اشرف بشیخ شده باشد، آدم امین این چیزها را برای خود اسباب شهرت قرار نمیدهد و یقیناً دروغ است. با مسیو زناویف (مستشار وزارت خارجه روسیه) هم که صحبت شد بمناسبتی گفت جمال الدین چند دفعه خواست نزد من بیاید من را که وقت صحبت با این قبیل اشخاص نیست، آخر روزی خواستم، از وزارت خارجه مأموریت می خواست، از طرف ما مأموریتی چیزی ندارد، مانمی توانیم اینجور اشخاص را مداخله بیعضی صحبتها بدهیم مقصودش چه بود؟ گفتم بنده او را خوب نمی شناسم، ترددم نزد بنده نداشت از دور شنیدم مردی سیاح است.

برای اطلاع خاطر مبارك عرض مراتب لازم دید، عرض دیگر اینکه میرجعفر نامی هست دست پرورده مستشار بطرز بورغ و لابد کرده اند مأموریت مکاریه را باو رجوع کرده آدم درست نیست از هر کس اسم او را برده تحقیق بفرمائید عرض می کند چطور آدمی است، با شیخ راه پیدا کرده مبادا در باره او خواهشی نماید و حضرت اشرف قبول فرمائید، بنده لابد از دور او را راه می برد. الامر الاقدس مطاع (پشت گزارش مهر محمود طباطبائی.)

ملك از خردمندان جمال گیرد و دین از دانشمندان کمال پذیرد.
پادشاهان بصحبت خردمندان از آن محتاج ترند که خردمندان بقربت
پادشاهان.
(سعدی)